

با کمک به پخش هر چه بیشتر سکاف و رساندن آن به دیگران، بخصوص به کسانی که به اینترنت دسترسی ندارند، به گسترش آگاهیهای جنسی در جامعه کمک کنیم.

قسمت سوم پی دی اف سکاف ۳۴

شامل:

- ۱- دیگران چه میگویند.
- ۲- پاسخ به نیز جنسی - سخنی رو راست با خوانندگان
- ۳- لینکهای سایت سکاف

۱- دیگران چه میگویند؟

(انعکاس نوشته‌های دیگر سایتها درباره سکس و مسائل جنسی)
اگر به یک مطلب جنسی - سکسی در سایتی که عموماً در رابطه با سکس و مسائل جنسی مطلب نمی‌نویسد، برخورد کردید، میتوانید برای انعکاس آن در این صفحه با سکاف تماس بگیرید. چون ما به تنهایی نخواهیم توانست به این همه سایت سر بزنییم.

- ۱- سایت خوابگرد، فصل اروتیکی سانسور شده رمان شوخی میلان کندرا را بچاپ رسانده است. این هم آدرس آن:

<http://www.khabgard.com/?id=438641374>

- ۲- سایت "نوشته‌های دایی محسن" مطلبی درباره نظر زنان در مورد سنتها که مانع پیشرفت آنها میشود، مطلبی خواندنی دارد. این هم آدرس:

<http://www.lpd.persianblog.com/>

- ۳- همشهری هم مطلبی در باره یائسگی و هورمون درمانی بچاپ رسانده است.

این هم آدرس:

[www.hamshahri.net/hamnews/1382/820505/news/elmi .htm](http://www.hamshahri.net/hamnews/1382/820505/news/elmi.htm)

- ۴- سایت (زن ناقص العقل است) هم یک مطلبی بنام (جدا کننده‌ها- عقده‌های سرکوب شده جنسی) دارد و مطلبی هم در باره دختر جهان سومی و پرده. آدرس:

<http://rahayabi.persianblog.com/>

- ۵- مجله سیاه سپید هم یک مطلبی در باره روابط دختر و پسر و واکنش خانواده‌ها دارد:

www.siahsepid.com/week/archives/000197.php

- ۶- سایت پسران مشهدی (mashhadboys) هم مطلبی درباره جلق زدن، ایدز و ... دارد،

و همینطور یک گیخانه. این هم آدرس:

www.mashhadboys.persianblog.com

۷- اگر هم حوصله درس و مشق دارید، به کلاسهای مدرسه عشق سر بزیند:

<http://love-school.persianblog.com>

سایتهایی که صرفاً به مسائل جنسی و سکس میپردازند را در قسمت پیوند معرفی می کنیم. این صفحه صرفاً برای انعکاس مطالب مربوط به سکس در سایتهای غیر سکسی است.

=====

۲- پاسخ به نیاز جنسی، مشکلات و راه حل

سخنی رو راست با خوانندگان سه کاف و درخواست از همه برای شرکت در حل مشکلات. خواهش میکنیم تا آخر بخوانید و به آن فکر کنید.

صورت مسئله:

بطور مرتب از خوانندگان ای میلیهایی به ما میرسند که در آن از سختیهای موجود در یافتن دوست دختر یا دوست پسر گله و شکایت شده، همچنین تعدادی از دوستان نامه نوشته و از سختیهای حکومت و نیروی انتظامی و بسیج و گروههای امر به معروف و امثالهم دادشون رفته هوا و میگن اینا نمی ذارن که جوونا راحت باشن. یک عده هم درد دل کرده که دوست دختر یا دوست پسر ندارند و حتی نمی دانند که چطوری با جنس مخالف خود تماس بگیرند، تعداد زیادی هم نامه میدن که به آنها کمک کنیم که یک دوست دختر یا پسر پیدا کنند، یک عده گله میکنند که اگه فرصتی هم گیر بیارن نمی دونن که چطوری شروع کنند، یک عده نوشته اند که تونستن با دختر خاله یا دختر همسایه یا... تماس برقرار کنند و بهر حال دوست دختر دارن ولی جایی رو برای سکس ندارند چون خانواده ها خیلی سختگیری میکنند، یا طرف بابا مامانش فهمیدن و به بابا - مامان دوستش گفتن و دیگه خودتون میدونین. یا خانوادهاشون خیلی سختگیری میکنند و حتی نمی ذارن با هر کی بخوان رفت و آمد کنند و حتی تلفن آنها را چک میکنند. عده ای نوشته اند که میتونن فرصتی برای سکس گیر بیارن ولی میتوسن پرده بکارت اشون رو از دست بدن و امکان ترمیم هم ندارن و یا اینکه شاید نتونن تو آینده یه شوهری رو گیر بیارن که پرده نداشتن توشب عروسی براش مهم نباشه. بیکی یکجور گرایش یا علاقه خاصی داره ولی چیزی درباره آن نمیداند یا اینکه نمیتونه جفت خودشو پیدا کنه.

خلاصه هر کی از یه چیزی می ناله اما همه اش در چارچوب سکس، نیاز، خواستن، تمنا، آرزو، برآوردن یک نیاز طبیعی، رسیدن به آرامش و... که همه اش انسانی است و مربوط

به انسان و جواب درست ندادن به آن باعث ترس، دلهره، نگرانی و اضطراب طرف میشود. هیچ فکر کردین که چرا تو کشور ما مسائل اینقدر پیچیده است؟ مسئول کیه؟ و با این سختگیریها به کجا می‌خواهیم برسیم؟ تو خواننده این مطلب، آیا به این مسئله بطور جدی فکر کرده‌ای؟ علت و دلیل اینها را چه میدانی؟ به نظر تو راه حل کدام است؟ چقدر از این مشکلات تقصیر حکومت است و چقدر تقصیر خود جوونا (یا هر کسی که این مشکلات رو داره) و چقدر به خانواده‌ها مربوط میشه؟ آیا فرهنگ اجتماعی و اون ارزشهایی که ما به آنها اعتقاد داریم یک جایشان می‌لنگد؟ کیه که باید اینا رو حل کنه؟ خود تو تا حالا برای حل این مسئله که مشکل خودت هم هست چکاری کرده‌ای؟ آیا تو دوست داری که تو حل این مشکل قدم برداری؟ اگه خودت مشکلی نداری دوست داری به دیگران کمک کنی؟

ما تو نوشته زیر نظر خودمون رو مطرح میکنیم و راه‌حلی که به نظرمان میرسد را با چند راه عملی با شما در میان می‌گذاریم. چون هدف سکاف از پیش پا برداشتن مشکلات موجود است ولی پیشاپیش هم میدانیم و با صدای بلند اعلام میکنیم که سه‌کاف به تنهایی کاری نمیتواند بکند، برای حل مشکل همه باید آستین‌ها را بالا بزنند، چون اگر شما نخواهید و یا کمک نکنید، سکاف به تنهایی هم کاری نخواهد کرد. حالا هر کی خواست میتونه اینو با دوستاش، تو کلاس، تو خیابون، تو خونه، تو روزنامه دیواری، محل کار یا هر جایی که شد و تونست مطرح کنه اگه هم نخواست که هیچی.

آزادی جنسی

آزادی جنسی این نیست که از ترس مأمور و یا بسیج و یا خانواده و یا هر فردی، دزدکی با یکی سکس داشته باشیم، یا تو تاریکی بریم تو پارک و با یکی جلق بزنی، یا با دروغ مخ یکی را کار بگیریم، اونو بکنیم و در بریم و امثال اینها و بعدش همه چیز را انکار کنیم یا خود رایه طور دیگری معرفی کنیم. این یعنی در زندان نامرئی بودن، این یعنی آزاد نبودن، یعنی عادت به این چیزهایی که تو زندگی مزاحم ما میشن و کاری برای خلاص شدن از آنها نکردن. یعنی تنبلی ذهنی و رخوت، یعنی عادی به کهنگی.

آزادی جنسی یعنی تو خودت انتخاب میکنی، یعنی دیگران بتو تحمیل عقیده نمی‌کنن، یعنی گرایش خودت را میپذیری و از آن دفاع میکنی، یعنی با افتخار حق داری با دوست دختر یا پسر خود تو خیابون راه بری و کسی هم مزاحمت نشه. یعنی همسرت را خودت انتخاب میکنی، یعنی مسئولیت و خیلی چیزهای دیگر.

تجربه دیگران:

دوتا مسئله هست که خوبه آدم اونها رو بشناسه: یکی سنت و دیگری تجدد (یا همان مدرنیسم) و نقش ایندو در زندگی انسانها.

داستان گالیله رو همه شنیدن. تو اون دوره (قرنهای ۱۵-۱۴) تو اروپا روحانیت مسیحی تو قدرت بودند و حکومت میکردند (درست مثل وضع امروز ما که روحانیت شیعه و اسلام حکومت میکند). در نتیجه اون زمان افکار و قضاوت مردم و جامعه اروپا هم همان بود که

کشیشهای مسیحی از دین مسیح قرائت میکردند و میخواستند جامعه را بر اساس تعالیم مسیحیت اداره کنند چون معتقد بودند که تمام قوانین نجات بشریت تو انجیل هست و چیزهایی که خودتون میدونید. به همین دلیل هم نظرات و برداشتهای روحانیت مسیحی در باره سکس، پرده بکارت، زنا، سکس قبل از ازدواج، حقوق زنان و دختران، حقوق گی ها، جلق زدن، بچه‌هایی که خارج از چارچوب ازدواج متولد می‌شدند، حقوق زنان مجرد و یا طلاق گرفته و خیلی مسائل دیگر درست مثل وضع امروز کشور ما بود. یعنی ما امروز از نظر نگاه به این مسائل درست همان جایی هستیم که اروپائیان ششصد سال پیش بودند. به عبارت دیگر ۷۰۰-۶۰۰ سال قبل اروپائیان شرایط ما را داشتند و اینطور نیست که اینها همیشه وضعشان مثل امروز بوده است. فرهنگ آنروز مردم و جوامع اروپا هم تا حدود زیادی همانی بود که کشیشها میگفتند.
پس چطور شد که به اینجا رسیدند؟

آنان از شرایط و زندگی خود خسته شدند، دست کشیشها را خواندند و شروع به این کردند که افکار و ارزشها و فرهنگ خود را که با فرهنگ مذهبی قاطی شده بود را یک بازبینی مجدد کردن و بی رحمانه آن را به نقد گرفتند. البته همه یک مرتبه به این مرحله نرسیدند بلکه کم کم. اما در نتیجه تلاش و سعی و مبارزات خود مردم، جوانان، دانشمندان، نویسندگان و..... و حتی مسیحیانی که مخالف دخالت مذهب تو حکومت و سیاست بودند و نمی‌خواستند که کشیشان از مذهب آنها سو استفاده کند، به قرائت جدیدی از دین، نقش آن در زندگی رسیدند و همینطور ارتباط با خدای خود را به امری خصوصی و فردی کردن تبدیل کردند، یعنی به این نتیجه رسیدند که اگر کسی بخواهد طبق قوانین مسیحی زندگی کند، هیچ فرد دیگری حق تعرض ندارد ولی این فرد مذهبی حق تحمیل نظرات خود به دیگران و جامعه هم ندارد و فقط در حوزه زندگی شخصی و خصوصی خود رعایت کند و کاری به اینکه دیگری بخواهد بهشت برود یا نرود نداشته باشد. آنها به این ترتیب کم کم موفق شدند حکومت را از دست روحانیون مسیحی بدر آورده و از آن به بعد از قاطی شدن سیاست و مذهب تو کشورهای خودشان جلوگیری کرده‌اند. یعنی حکومت عرفی را انتخاب کردند. و به همین شکل شروع به این کردند که هر مسئله، قانون، روابط اجتماعی، اخلاق، رابطه زن و مرد یا دختر و پسر با هم، سکس، پرده بکارت، سکس قبل از ازدواج، حقوق اقلیتهای جنسی، چاپ فیلم و مجلات

سکسی و هر چیز دیگر را بر اساس عقل، منطق و علم می‌سنجیدند و معیار خود را هم بهبود شرایط زندگی انسان در این جهان قرار دادند، نه مثل سابق که همه چیز باید بر اساس اینکه انجیل اینو گفته یا نگفته، و گفته‌ها و حدیث رهبران روحانی و برای رضایت خداوند و به بهشت رفتن یا نرفتن که قبلاً معیارشان بود را کنار گذاشتند. و مذهب را به یک مسئله فردی و خصوصی تبدیل کردند، یعنی اگر کسی میخواست بر اساس مذهب مسیحی رفتار کنه، قبول ولی حق نداشت اینو به زور به دیگران تحمیل کنه یا اینکه

مذهب خودشو تو سیاست دولت دخالت بده. اما اینکارها به معنای بی دین شدن مردم هم نبود. کما اینکه می بینیم مذهب مسیحی هنوز هم در این جوامع پابرجاست. خلاصه این حرکت همینطور ادامه داشت تا قرن ۱۸ و نوزده که جایگاه علم هرچه بیشتر توی جامعه تثبیت شد و کم کم اندیشه های مدرنیسم شکل گرفتند. مسئله فردیت مستقل انسان، حقوق و اختیارات او و مسئولیتهای او و مسئله حریم خصوصی و شخصی فرد هم نه تنها توسط حکومت بلکه توسط دیگر شهروندان هم پذیرفته میشود و این حقوق فردی هر روز بیشتر تکمیل میشود. و میدانید که تو همین دوره هم پیشرفت صنعت و تکنیک شروع میشود و تا به امروز هم ادامه دارد که آخرین دستاورد آنها؟؟ همین اینترنت است. اما بطور عام وقتی صحبت از سنت و مدرنیسم میشود، بیشتر منظور اشاره به این است که آیا مذهب را معیار سنجش قضایا قرار میدهیم یا علم و عقل و منطق و بر همین اساس است که جوامع اروپایی را جوامع مدرن میدانند اما جامعه ای مثل کشور ما را یک جامعه سنتی معرفی میکنند (هر چند که ما اینترنت یا ماشین و خیلی از مظاهر زندگی مدرن را از کشورهای آنها گرفته ایم) ولی چون توی سیاست و ارزشهای فرهنگی و روابط اجتماعی در جامعه امان و زندگی خصوصی و فردی خودمان یا حداک، اکثر مردم ما کماکان عامل مذهب تعیین کننده است، کشور ما هم همچنان در ردیف کشورهای سنتی قرار داده میشود. این را ما نمی گوئیم، یک تعریف سیاسی هم نیست، بلکه بر اساس تعریفی که کارشناسان و متخصصین از مدرنیسم و سنت میکنند، جایگاه کشورها هم معلوم میشود.

موقعیت ما ایرانیان:

- اگه ما با خودمان خلوت کنیم و با صداقت اعتراف کنیم می بینیم که ما بر اساس جایگاه و موقعیت تاریخی ای که در آن قرار داریم عمل میکنیم، که عبارت است از:
- ۱- حکومت مذهبی داریم و روحانیت شیعه قدرت سیاسی را دارد.
 - ۲- این روحانیت شیعه برداشت و قرائت خودش از دین و مذهب را قانون کرده و از مردم میخواهد که طبق آنها عمل کنند و گرنه زندان و شلاق و... (همان داستان گالیله).
 - ۳- روحانیت شیعه مردم را صغیر دانسته و بر همین اساس یک ولایت فقیه برایشان تعیین میکند و یک شورای نگهبان که هیچ قانون غیر اسلامی تصویب نشه و قوانین اسلامی حتی اگه با شرایط هم نخوانند، ولی باید اجرا بشن و ما اینها رو می بینیم و تحمل میکنیم. تازه ولایت فقیه هم از طرف مردم انتخاب نشده. با این تفصیل انسان و بهزیستی او در درجه اول قرار نمی گیرد بلکه در درجه اول رعایت اصول و احادیث و آیه های مذهبی آنها طبق تفسیر یک قشر خاص - آخوندها.
 - ۴- از نظر پیشرفت تکنیک و صنعت محلی خودمان چیزی برای عرضه کردن به کشورهای دیگر نداریم.
 - ۵- ما خودمان هم هر چند که از آخوندها ناراضی باشیم ولی مسائل و قضایا از جمله سکس،

پرده بکارت، روابط اجتماعی، دخالت تو زندگی دیگران، نیازهای درونی خودمان، رابطه با جنس مخالف، رابطه زن و شوهر و یا با فرزندان و بسیاری مسائل دیگر را نه بر اساس علم، منطق و با معیار زندگی بهتر برای خود و دیگران، بلکه بر اساس تعلیمات مذهبی و چیزهایی که اجداد ما فکر و رعایت میکردند، می‌سنجیم، یعنی ما ایرانیان نه تنها حکومت‌امان مدرن نیست بلکه خود ما هم مدرن نیستیم و سنتی عمل می‌کنیم. (حالا این کار ما آگاهانه هست یا نیست، بماند)

که بیشتر هم ناآگاهانه است به این دلیل که در طول قرنهای متمادی مذهب و قوانین آن قاطی فرهنگ و شکل روابط ما شده. اینه که ما از شرایط موجود رنج می‌بریم، آنها را محدود کننده میدانیم از شان خسته شده‌ایم ولی راه گریزی هم نمی‌یابیم. لذا:

۱- حکومت بخودش اجازه میده که تو روابط خصوصی و سکسی ما دخالت بکنه.
۲- ماموران حکومت تو خیابون به جوونا حمله میکنن، تحقیرشون میکنن، زندان میکنن، شلاق میزنن و ما کاری نداریم چون میگییم به ما چی؟ یا حاضر به خطر نیستیم و به مامور اعتراض نمی‌کنیم تا زمانی که نوبت خودمون بشه و اونوقت هم میبینیم که کسی از ما دفاع نمیکنه.

۳- پدر و مادرها که با همین روشها تربیت شده‌اند، محدودیت بیشتر برای فرزندان جوان خود را با حمایت، پشتیبانی و راهنمایی و تربیت صحیح عوضی میگیرند.

۴- خودمان چیزی به اسم حریم خصوصی خود و دیگران و حقوق شخصی نمی‌شناسیم و برایش ارزشی قائل نیستیم. که هر کسی باید برای خودش تصمیم بگیره، در نتیجه اگه دختری با پسری دوست شد، می‌گییم دختره جنده است یا بدرد ازدواج نمیخوره، یا مامان بابامون میره به مامان بابای دوست دخترمون میگه که ما با هم دوستیم، یا اگه دوستی داریم میترسیم سکس بکنیم چون میترسیم پرده بکارتمون پاره بشه و از عواقبش میترسیم، یا خودمون اگه با کسی ازدواج کردیم برامون مهمه که طرف باکره باشه، یا خواهرمون رو نمی‌ذاریم که دوست پسر بگیره یا اگه دختری تو خیابون رد بشه متلک بارونش میکنیم، یا اگه کسی با خواهرش یا زنش روابط امروزی‌تر و انسانی‌تری برقرار کرد، میگییم طرف غیرت نداره. خلاصه این مسئله سر درازی دارد. می‌بینید، ما توی یک دایره‌ای از (آنکس که نداند و نداند که نداند) قرار گرفته‌ایم.

یعنی نمی‌دانیم که نمی‌دانیم، یعنی قبول نمی‌کنیم که معیارهامون اشکال داره و باید فکری بحال خودمون بکنیم؟ تازه بدتر از همه به این معیارها تعصب هم داریم.

اما این دایره نادانی توی زندگی روزمره و توی واقعیتها مزاحم زندگی امون میشن، می‌خواهیم ازشون خلاص بشیم، ولی نمی‌دونیم چکار کنیم. تازه چون تجدد و

مدرنیسم اروپا را هم فقط چیزهایی ازش شنیده‌ایم و مطبوعات و روزنامه‌ها و رادیو-تلویزیون حکومتی اینقدر بر علیه آن تبلیغ میکنه (که خودش رو برحق نشون بده) همیشه فکر میکنیم که کشور اونا یه جامعه بی بند و باری هست؟

ولی هیچوقت نمی‌آئیم تو خلوت از خودمون بپرسیم که اصلاً بی بند و باری چی هست؟ و آیا واقعاً این جوامع همانطوری هستن که تلویزیون حکومتی و روزنامه کیهان به ما معرفی میکنن یا نه؟ چرا ما همیشه حسرت اونا رو میخوریم؟ چرا اونا از کشورشون فرار نمی‌کنن ولی تا دلتون بخواد ما می‌خواهیم بریم اونجا؟ چرا هرچی مغز متخصص داریم از کشور فرار میکند؟ چرا ایران تو فرار مغزها رتبه اول تو جهان را دارد؟ چرا آنها تو ورزش، تو تاثیر گذاشتن روی روند سیاست جهانی، تو عرصه علم و اختراعات از ما جلوترند؟ چرا مشکلات اجتماعی ما بیشتر است؟ چرا با وجود نفت و جمعیت جوان ولی اکثر مردم ما گرسنه هستند؟ چرا ما باید دو سه کار مختلف داشته باشیم تا بتوانیم زندگی خود را بگذرانیم؟ چرا ما مثل آنها امکان مسافرت و جهانگردی نداریم؟ چرا پاسپورت ایرانی اینقدر بی اعتبار است؟ چرا اینهمه پسران و دختران جوان ایرانی از خانه فرار میکنند؟ چرا بهداشت در کشورهای دیگر آزاد است اما ما برای یافتن ساده‌ترین داروها اینقدر باید زور بزنیم؟ چرا یک اروپایی باید بدون پرداخت پول، بتونه گرفتگی شریان قلبش رو عمل کنه ولی ما اینهمه باید پول بدهیم؟ چرا اگه یک شهروند آنها در یک جای دنیا گیر بیفتد حکومتشون آنقدر زور میزنه که طرف آزاد بشه و بعد بصورت قهرمان می‌آرنش خونه اما حکومت ما به این راحتی تو سر ما میزنه، تحقیرمون میکنه؟ تو خیابون و ملا عام شلاقمون میزنه و... خوب، وقتی مردم دنیا می‌بینن که ایرانی، حکومت خودش اینکارا رو باهاش میکنه، صد البته ما هم پیش اونها ارزشی نخواهیم داشت. و ایرانی میشه یک فرد تو سری خور عقب مانده سنتی که نه تنها قادر نیست خودشو آزاد کنه، بلکه از نظر فکری هم عقبمانده است و سزاوار این حکومت و گرنه کاری میکرد. آیا این گفته درسته که هر ملتی سزاوار حکومتی است که بر آنها مسلط است؟ پس مسئولیت ما چی میشه؟ چندین سال است که جامعه ما، سیاست و باورها و فرهنگ ما دچار بحران شده، این بحران تکامل است، بحران زایش. ما در برابر یک انتخاب قرار گرفته‌ایم؛ شکل زندگی فعلی را نمی‌خواهیم اما از عوض کردن راه و رسم و شکل زندگی و روابط اجتماعی فعلی هم می‌ترسیم، ما زندگی بهتر و امروزی‌تر دیگران را می‌بینیم اما چشمان خود را باور نمی‌کنیم؟ فکر میکنیم خواب می‌بینیم؟ می‌ترسیم راه و روش بهتر را یاد بگیریم. و به این دلیل ما برآستی بر سر دو راهی (دوزخ) انتخاب قرار گرفته‌ایم.

خوب، حالا چکار کنیم؟

باور کنید مشکل ما ریشه‌ای است و یک روزه حل نمیشود اما اگر ما امروز با آن برخورد نکنیم باعث انتقال مشکلات به نسلهای بعدی میشویم و آنها هم درگیر همین مسائل و بدبختی‌های ما خواهند شد. و چون مشکل ریشه‌ای است با یکی دو مقاله در سکاف هم حل نمیشود. ما باید یاد بگیریم مشکل را از ریشه حل کنیم. چگونه؟ به این طریق که منتظر نجات‌دهنده‌ای نباشیم و باور کنیم که نجات‌دهنده خود ما هستیم.

- منتظر این نباشیم که دیگران به ما کمک کنند، خود آستین‌ها را بالا بزنیم، از سختیها، شماتت‌ها و نکوهش دیگران نترسیم و از کنار گذاشتن سنتهای غلط نهراسیم، لذا:
- ۱- هر کسی با خودش تعیین تکلیف کنه که آیا با این زندگی و فرهنگ و روابط اجتماعی که ما داریم راحت هستش یا نه؟ آیا میخواد زندگی بهتری داشته باشه یا نه؟ و آیا حاضر هستش برای خلاص شدن از این مخمصه تلاش کنه یا نه.
 - ۲- هر کی از خودش شروع کنه که انطور که میخواد زندگی کنه یعنی حریم خصوصی و فردی خودش رو بشناسه، و نذاره که کسی بهش دخالت کنه (چه خانواده و چه دولت و چه زن یا همسر)
 - ۳- از دخالت تو حریم خصوصی دیگران اکیداً پرهیز کنیم و اگه متوجه شدیم که کسی داره تو حریم دیگری دخالت میکنه، سکوت نکنیم بلکه به طرف نشون بدیم که اینکار درست نیست و برابری کامل انسانها را (چه زن و چه مرد) هم در ذهن و هم در عمل بپذیریم و بدان عمل کنیم.
 - ۳- دخالت دین تو سیاست و زندگی اجتماعی رو رد کنیم و به حکومت مذهبی پایان دهیم.
 - ۴- شیوه علمی و منطقی برخورد با پدیده‌ها را یاد بگیریم، به همه چیز شک کنیم و هیچ چیزی را مطلق ندانیم.
 - ۵- سنت را کنار بگذاریم و مدرن و امروزی شویم. یعنی با مسائل نه از زاویه اینکه مذهب اینو گفته یا نگفته، یا فلان چیز گناه داره، یا بر اساس حدیث و گفته‌های قرن‌ها پیش، بلکه بر اساس اینکه علم امروزی چی میگه، بسنجیم.
 - ۶- با سیاست جدا کردن دختر و پسر و زن و مرد تو اجتماع (زنانه-مردانه کردن مدارس اتوبوسها، کلاسها و.....) به شدت مقابله کنیم.
 - ۷- خودمان هم اینرا توی زندگی روزمره و بخصوص در رابطه با خانواده خود رعایت کنیم.
 - ۸- تا آنجا که میتوانیم حجاب و مانتو و قایم کردن زنان و دختران را از زندگی شخصی و خصوصی و خانوادگی خود دور کنیم و برای لغو حجاب اجباری در جامعه بکوشیم.
 - ۹- به سکس و مسائل جنسی به شکل یک لولو و مسئله مخفی و پنهانی و راز مگو برخورد نکنیم بلکه به شکل یک موضوع و نیاز انسانی و صحبت از سکس را تا حد امکان عادی و معمولی کنیم.
 - ۱۰- تا آنجا که میتوانیم به این بحثها توی جامعه دامن بزنیم. از صحبت با افراد خانواده و دوستان و آشنایان گرفته تا نوشتن توی وب سایتها تا ارسال مقاله و مطلب به روزنامه‌ها و مجلات (هم روزنامه‌های سراسری و هم محلی)، ارسال نامه به نمایندگان مختلف و...
 - ۱۱- با سایتها و روزنامه‌های سیاسی-فرهنگی، رادیو و... تماس گرفته و از آنها بخواهیم که به این جنبه از فرهنگ اجتماعی (مسائل جنسی) پرداخته و به مسئولیت خود در ارتقا آگاهی و هوش و اطلاعات جنسی شهروندان عمل کنند.

- ۱۲- برای تدوین و اجرا یک برنامه علمی و جامع آموزش سکس در مدارس تلاش کنیم. این حق کودکان و نوجوانان است که این آموزشها به آنان داده شود. همچنین اطلاعات و دانسته‌های خود را با زبان ساده به کودکان و نوبالغان در خانواده منتقل کنیم.
- ۱۳- برای برگزاری جلسات سخنرانی و کنفرانسهایی در مدارس، دانشگاهها و همینطور شهرهای مختلف برای بررسی مسائل و مشکلات جنسی موجود در جامعه، روابط زن و مرد، مشکلات جنسی جوانان، ارتقا اطلاعات جنسی مردم و... تلاش و برنامه‌ریزی کنیم، حتی اگر بشکل محدود و ساده.
- ۱۴- اصلاح کارها را فقط به گردن حکومت نیندازیم، هرچند حکومت مسئولیت زیادی دارد اما برای بهبود زندگی، هر کسی باید تلاش کند و آنوقت است که خودبخود به مسئولین هم فشار می‌آید که راه‌حلی پیدا کنند.
- ۱۵- به قوانین و دستورات خشک دولتی و آخوندها بی‌اعتنایی کنیم و بخصوص اخلاق و روابط پیشنه‌ادی آنها را از حیطة زندگی شخصی خود کنار بزنیم.
- ۱۶- اطلاعات خود را برای خود نگه نداریم بلکه با دیگران قسمت کنیم، بخصوص مطالب و اطلاعاتی که از اینترنت میگیرید را به دست کسانی که کامپوتر ندارند، برسانید.
- ۱۷- هر ابتکاری که خود بهتر میدانید و امکان عملی کردن آن را دارید، بکار گیرید.
- ۱۸- در یک کلام، تلاش و کوشش برای براه انداختن یک کارزار وسیع و گسترده برای یک زندگی بهتر و امروزی و اصلاح فرهنگ و روابط اجتماعی که آزادی جنسی تنها یک بخش آن است.
- ۱۹- و در پایان، نگیم اینکارها سیاسی است و ما به سیاست کار نداریم. چرا که این به زندگی ما و وظیفه ما بعنوان یک شهروند مربوط میشود.
- ۲۰- روانشناسان، پزشکان، مسئولان تربیتی و مدارس، دیگر متخصصان امور اجتماعی، و روزنامه‌ها، تشکلات مختلف فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و امثالهم در اینباره و در حد امکانات در دامن زدن به بحثها مسئولیت زیادی دارند. و یادمان باشد که برای اینکار باید از جایی مرزشکنی فرهنگی صورت بگیرد چرا که تنها با گذشتن از سد مرزهای فرهنگی موجود است که حرکت خود برای بهبود شرایط را هموار کرده‌ایم.
- ۲۱- اگر چنین کنیم، یعنی به تمام تعلیمات آخوندها نه گفته‌ایم، یعنی سنت را از زندگی خود کنار گذاشته‌ایم و در آنصورت حکومت کردن یک قشر سنتی بر مردمی مدرن هم آسان نخواهد بود.
- برای انجام این کارها و ابتکارات دیگر حتماً لازم نیست بی‌دین و کافر باشیم، میتوان مذهبی بود اما مذهبی مترقی و امروزی. (بی‌دینان و کافران هم ایرانی‌اند و همانقدر صاحب حق و حقوق که یک دیندار).
- تنها در این صورت است که راه برای حل مشکلات، فاصله گرفتن از سنت و آشنایی با مدرنیسم

هموار میشود و آنوقت مشکلات فعلی در مسائل سکسی هم به این شکل نخواهیم داشت.
حالا دیگه خود دانید، این گوی و این میدان.

=====

۳- لینکها (پیوندهای) سایت سکاف:

با چاپ هر شماره جدید، لینکهای این صفحه هم کم و زیاد میشوند
برای معرفی سایت خود در این صفحه با ما تماس بگیرید.
cekaf@cekaf.com

معرفی هر سایت در این صفحه منوط به درخواست مسئولین آن سایت می باشد.
از معرفی سایتهایی که فقط تعداد معدودی بازدیدکننده را اجازه میدهند، پوزش میخوایم.

ما هیچ مسئولیتی درباره ادامه کار و یا محتوای سایت های معرفی شده نداریم.

لینکهای جدید این شماره:

۱- مرکز سایتهای پورنوگرافی مخالف سو استفاده جنسی از کودکان و خردسالان:
(برای گزارش هرگونه بچه بازی یا استفاده جنسی از کودکان)

<http://www.asacp.org/>

۲- سایت تکتاز هم یک زیرمجموعه به اسم سکسولوژی دارد:

<http://www.tactaz.com/education/index.html>

۳- یک سایت بسیار جالب و قابل تامل برای دختران لزبین (با آرزوی موفقیت برای این
دوستان و امیدواریم کسی مزاحم آنها نشود.)

<http://lesbians.persianblog.com>

۳- سایت شهلا: <http://shahlaporno.persianblog.com>

۴- یک سایت جدید دوست یابی: <http://bongah.persianblog.com>

۵- سایت بردگی برای همسر م : <http://slave.blogsky.com>

۶- سایت برده : <http://bardeh.persianblog.com>

۷- سایت لیلا (دختر لزبین): <http://LEILALEZ.BLOGSPOT.COM>

۸- سایت ایران اکتیو برای دوست یابی و چات: www.iranactive.com

۹- سایت مزه بوسه و عشق داغ:

www.makelove.persianblog.com

۱۰- این هم سایت همه رقم:

www.behnamghaffari.persianblog.com

=====

پایگاههای اطلاعاتی:

۱- برای گزارش هرگونه تجاوز و سوء استفاده جنسی از کودکان:

<http://www.asacp.org/>

۲- سایت مشاور ایدز: <http://aids4.netfirms.com>

۳- روانکاوی: <http://ravankavi.persianblog.com>

۴- ایدز و...: <http://www.mashhadkit.com/drjalalian/ADVICE/aids.htm>

۵- ایران نو: www.newiran.org

۵- برای جستجوی سایتهای سکسی: <http://www.pword.com>

پایگاههای سکسی-آموزشی

۱- سایت بردگی برای همسر: <http://slave.blogsky.com>

۲- سایت برده: <http://bardeh.persianblog.com>

۳- سایت ایران سکسی: <http://members.lycos.co.uk/iransexy>

وبلاگها

۱- سایت هستی: <http://hastisexy.blogspot.com>

۲- گیانه (کاندوم): <http://www.gayaneh.blogspot.com>

۳- سکسی ایران: <http://sexyiran.persianblog.com>

۴- خاطره: <http://khateratesex.persianblog.com>

همجنسگرایان

۱- سایت دختران لزبین: <http://lesbians.persianblog.com>

۳- کیکاووس: <http://keyykkavos.blogspot.com>

۴- خانه دوست (لزبین): http://www.geocities.com/khanaye_doost

دوستیابی (انواع سلیقه‌ها):

۱- بنگاه کشوری: <http://bongah.persianblog.com>

۲- دوست خوب: <http://DOOSTE-KHOB.persianblog.com>

۳- <http://alt.com/go/p13332c>

۴- <http://AdultFriendFinder.com/go/p62967c>

شهرهای مختلف:

۱- اصفهان: <http://www.geocities.com/esfahanxxx>

۲- بیرجند: <http://group.yahoo.com/group/birjandhashari>

۳- خراسان: <http://groups.yahoo.com/group/mashhadboys>

۴- شیراز: http://groups.yahoo.com/group/dooste_shiraz

گروههای موجود در یاهو:

- ۱- گروه مخصوص سکس ضربدری: http://groups.yahoo.com/group/persian_married
- ۲- گروه ایران-سکاف: <http://groups.yahoo.com/groups/irancekaf>
- ۳- دختران ایران (لزبین): <http://groups.yahoo.com/group/irangirl>
- ۴- www.groups.yahoo.com/group/kkksex

=====

شش آئینه سایت سکاف:

- ۱- <http://3ks.hamzaboon.com>
- ۲- <http://members.shaw.ca/weblog/3k>
- ۳- <http://www.sekaf.com>
- ۴- <http://www.cekaf.7p.com>
- ۵- <http://joke3k.tripod.com>
- ۶- <http://back.to/cekaf>
- برای کمک به ساختن آئینه‌های بیشتر:
- <http://members.shaw.ca/weblog/3k/mirror.htm>